

عنوان مقاله:

معرفت شناسی بدن مند؛ رهیافتی نوین برای شناخت روابط بین الملل

محل انتشار:

پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، دوره 12، شماره 1 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

حسین سلیمی - استاد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

ماندانا سجادی - دانشجوی دکترای روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

خلاصه مقاله:

از حدود یک دهه پیش این پرسش مطرح شده است که علوم اعصاب شناختی چگونه می تواند به مطالعه دانش روابط بین الملل کمک کند. چطور دانشی که نگاهی کل گرایانه به جهان دارد می تواند از روش های اثبات گرایانه و فردگرایانه علوم اعصاب اجتماعی بهره بگیرد؟ به نظر می رسد تا زمانی که درک درستی از ابعاد معرفت شناختی علوم اعصاب اجتماعی و پارادایم های حاکم بر آن و نیز نسبت آن با معرفت شناسی در روابط بین الملل نداشته باشیم نمی توانیم از این دانش برای مطالعه سیاست جهانی بهره بگیریم. در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش بوده ایم که معرفت شناسی بدن مند چه تاثیری بر نظریه روابط بین الملل بر جای گذاشته است؟ فرضیه ای که در پاسخ به این پرسش ارائه داده ایم این است که بدنمندی به عنوان یکی از پارادایم های جدید معرفت شناسی در علوم شناختی با رد دوگانه پنداری دکارتی و قرار دادن تجربیات بینادهنی اجتماعی بدن مند در کانون شناخت شیوه های تازه ای برای مطالعه امر بین الملل معرفی می کند و ضمن دوری جستن از تقلیل گرایی، فردگرایی و اثبات گرایی، امکان مطالعه نقش متقابلا قوام دهنده و علی بدن- فرهنگ را در تکوین ساختارهای بین المللی فراهم می سازد. یافته های حاصل از این مطالعه نظری نشان می دهد که بازتاب این معرفت شناسی را می توان در نسل جدید نظریه های فمینیستی، چرخش کرداری و پسااستعماری روابط بین الملل، چشم اندازی نوین برای فهم پدیده های بین المللی مشاهده کرد.

کلمات کلیدی:

شناخت اجتماعی، معرفت شناسی علوم شناختی، شناخت بدن مند، معرفت شناسی روابط بین الملل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1846769>

